

هوایی شدن در ژانر وحشت



عصری فرعی در ادبیات وحشت سرزمین آفتاب نابین است (یوگای در ادبیات عامیانه ز این به همه موجودات ماورایی اطلاق می‌شود) یا «اوتی» که به شیاطینی نامرئی و مسبب بلاهای طبیعی در این فرهنگ محسوب می‌شوند، دستمایه خلق داستان‌های پر مخاطبی قرار می‌گیرند. «یوری» به ارواح زناتی اطلاق می‌شود که در پی انتقام از مردانی اند که به آن‌هاستم روا داشته‌اند و نمونه بارز آن داستان «اوکیکو» دختری است که برای گریز از ازدواج با یک سلمورانی خود را به جابه می‌اندازد و همین داستان به فیلم پرفروش «حلقه» بدل می‌شود. نگاهی به فرهنگ روایی فولکلور ایرانی نیز رد پای موجوداتی مانند ماپهتران، آل و دوال بار ایه خوبی نمایان می‌کند. موجوداتی که برخی خیالی و برخی بااستناد به روایات مذهبی و نص صریح کلام وحی، حقیقی‌اند. اما چرا سینمای وحشت ایران نمی‌تواند به گرد پای این ژانر در خاور دور برسد؟ شاید فرهنگ عامه ایرانی هم به گرد آورنده‌های از اقلیمی دور مانند باتر یک لافکادوی هرن (نویسنده ایرلندی که با نام ژانر کویزومی یا کومو هم شناخته می‌شود) نیاز داشتت تار وایت‌های محلی را به داستان‌های مکتوب بدل کند و فیلمساز و کارگردانی قهار مانند ماساسکی کویا یاشی فیلمی بی‌بدیل همچون «گوایدان» را از آن‌ها ش به برده‌نفرهای بکشاند. به نظر ژانر وحشت در ایران نیز می‌تواند با ایجاد آثاری قلیل، جایگاه خود را این مخاطبان پیدا کند اما جگرتگی عبور از ادبیات فولکلور به سینمای وحشت خود مقوله‌ای مفصل می‌طلبید. در این مقال بسا کریم لک‌زاده کارگردان و پژمان باغی بازیگر نقش اول (صابر) در مینی‌سریال «اهل هوا» هم کلام شدیم تا علاوه بر صحبت در باره این مجموعه، از ضعف نمایان سینمای وحشت در ایران بر دهه‌ها دریم.

یاسر سجاوات
گفت و گو

ژانر وحشت گونه‌ای بر مخاطب از سینمای کلاسیک و مدرن است و همواره بخش بزرگی از تولیدات صنعت سینمای جهان را به خود اختصاص می‌دهد. ژانری پرکشش و مالمال از تعلیق که گاه ترس عمیق را به جان مخاطب می‌اندازد و گاه با تکیه بر المان‌های فرار و استناختی به بیان وهم‌انگیز زندگی می‌پردازد. سینمای وحشت در عصر نوین که دوران زوال روابط عاطفی و ازوای ناخواسته انسان را در بر می‌گیرد، از تباط عمیقی با مخاطب برخوردار می‌گردد، چه تنهایی خود و از های هولناک برای بسیاری از انسان‌هاست. بس شرکت‌های تولید فیلم و سریال همواره داز کار در این ژانر استقبال می‌کنند. هر سال رقابت شدیدی بین کمپانی‌های نام‌دار هالیوود برای خرید امتیاز اقتباس از آثار «استفن گینگ» سلطان وحشت ادبیات داستانی در می‌گیرد و حتی بارها این شرکت‌ها پیش از چاپ آثار گینگ، با خالق «تالو» قرار داد‌های هنگفتی می‌بندند. با وجود این ژانر وحشت در سینما و ادبیات داستانی ایران، کمتر با اقبال رو بر می‌شود. گذاشته از آثاری مانند «ژانر» یا «آل» که اولی حتی در جمع برترین فیلم‌های ترسناک سال ۲۰۱۷ قرار گرفت، کمتر اثری در سینمای ایران با موفقیت توأم می‌شود. «سب بیست و نهم» هم که اواخر دهه ۶۰ خورشیدی در ایران تولید شد، از معدود آثار موفق سینمای وحشت نام گرفت. عجیب این‌که عناصر وحشت همواره در فرهنگ فولکلور ایران نقش بر رنگی داشته‌اند. نمونه بارز مقایسه در این مبحث، قیاس سینمای وحشت ایران و ژانر است. دو کشور باستانی با تاریخی سرشار و غنی از داستان‌های کهن که بسیاری از آن‌ها با تکیه بر عناصر وحشت‌زا روایت شده‌اند. سینمای وحشت در ژانر با تکیه بر عنصری مانند «یوگای» که

زبانی کشیدند و باید حق مطلب ادا می‌شد.

فکر می‌کنی دلیل اکران نامناسب «خواب لیلا» و در نظرگاه کلی موفق نبودن ژانر ترسناک در ایران چه دلیل دارد؟ به هر حال فیلمی که جزو نخستین‌هاست، به یقین باید جایگاه خاصی داشته باشد. گذشته از «خواب لیلا» که پیش از یک دهه از تولیدش می‌گذرد، ژانر وحشت امروز در سینما و تلویزیون ایران ژانری مهجور است که کمتر فیلمساز و تهیه‌کننده‌ای را وسوسه می‌کند دنبالش برود.

همه چیز مشخص است سرمایه‌گذارهای سینمای ایران قبلی به ژانر دلهره و وحشت نشان نمی‌دهند. در حالی که شما در خاور دور عکس این موضوع را می‌بینید. توزیع کنندگان هم می‌گویند این گونه از فیلم و سریال در سینما نیست، تا لویدی گویند تنها به ژانر کم‌دی اهمیت می‌دهیم. نمی‌دانم این سطح بندی از کجا آمده و چه کسی آن را انجام می‌دهد؟ چه کسی سطح سلیقه مردم را تعیین می‌کند؟ این چه نگاهی است؟! اگر از سینما به هنر هفتم تعبیر می‌شود پس اینجا همه نگاه‌ها نباید معطوف یک ژانر خاص باشد. اینکه فیلم کم‌دی فروش دارد و مخاطب همیشگی خود را دارد و واقعیتهای ناکارناپذیر است اما چرا این مدل تفکر بین کسانی که رسانه دست‌شان است وجود دارد؟! این را که فلان ژانر اولویت است و بهمان ژانر نیست، چه کسی تعیین می‌کند؟

کار با کریم لک‌زاده چطور بود؟ از نقش آفرینی در مجموعه‌ای که کارگردانی نسبتاً جوان داشت، راضی بودید؟
بدون لفرق کار متفاوت و ارزشمندی بود. آقای لک‌زاده و همه عوامل و گروه تولید این کار بسیار باسواد بودند. گمان می‌کنم فقط همایون ارشادی عزیز و بنده بازیگران قدیمی این کار بودیم ولی صرف نظر از نقش آفرینی از بازیگری، مدل ساخت این مجموعه، مدل کارگردانی، فیلمبرداری، صدابرداری، گریم و... را بسیار پسندیدم. همه آن‌ها که در شیراز حضور دارند، حششان این است که در سینمای

پژمان باغی:

سرمایه‌گذارها اقبالی به ژانر وحشت ندارند

پژمان باغی، هنرپیشه پرکار و موفق سینما و تلویزیون ایران سال‌ها پیش در ژانر وحشت دیده شد. میدن روح در کلبه شخصیت «دکتر سهرابی» کاری بود که در کمتر دهه ۸۰ به خوبی انجام داد. نقش ممتاز در کارنامه حرفه‌ای‌اش داشته باشد. بازی تکمیلی او کنار ستاره‌های آن سینمای ایران مانند فاطمه معتمدآریا، مله‌ایا پطر و سیان، فرخ نعمتی و زنده‌یاد پرویز پورحسینی خطرات خوبی برای باغی که آن وقت هم هنرپیشه مطرحی بود رقم زد. حال او با گذشت بیش از یک دهه از اکران «خواب لیلا»، نقش آفرینی در این ژانر مهجور را تکرار کرد. بازی او در نقش صابر کنار همایون ارشادی به نظر نقطه قوت مجموعه می‌آمد اما خود باغی با احترام از دیگر عوامل این مینی‌سریال یاد می‌کند. او اتفاقاً این ژانر را با سینمای وحشت خاور دور مقایسه می‌کند و معتقد است سرمایه‌گذاران سینما و تلویزیون ایران توجهی به این ژانر ندارند.

فکر می‌کنم این دومین بار است که شما را با اثری از ژانر وحشت می‌بینیم. اشتباهه که نمی‌کنم؟

خیر اشتباه نمی‌کنید، سال‌ها پیش از «اهل هوا» و میله‌های دهه ۸۰ بود که با «خواب لیلا» کنار بازیگران مطرحی مانند سرکار خاتم‌ها فاطمه معتمدآریا و ماهایا پطر و سیان و زنده‌نام پرویز پورحسینی نخستین تجربه‌ام در ژانر وحشت را کسب کردم. فیلمی که باید توجه بیشتری به آن می‌شد و ویژگی‌های خود را داشت.

به نظر فیلمی متفاوت بود.

خب وقتی شما نخستین فیلم دیجیتالی تاریخ سینمای ایران را می‌بینید باید هم آن را کاری متفاوت بدانید. متأسفانه با وجود این امتیاز، «خواب لیلا» اکران مناسبی نداشت و این در حالی اتفاق افتاد که آقای کلاری زحمت زیادی برای آن کار متقبل شد و برای ساخت نخستین فیلم دیجیتالی تاریخ سینمای ایران همه عوامل زحمت

ایران بیشتر دیده شوند و واقعاً با تیم بسیار خوب وسخت کوشی این مجموعه راساختیم.

«اهل هوا» مینی‌سریال به نظر می‌رسد و هنوز زمان بخش این مجموعه مشخص نشده، شما خبر تازه‌ای در این زمینه دارید؟

درباره مینی‌سریال حق باشماست. این مجموعه در ۵ قسمت تولید شده است (مینی‌سریال مجموعه‌ای است که از نظر فرمیک بین ۴ و ۱۰ قسمت تولید می‌شود و از نظر گاه محتوایی یک خط داستانی مشخص را دنبال می‌کند و از روایت داستان‌های فرعی می‌برهیزد). اما درباره زمان بخش آن من هم چیزی نمی‌دانم.

شما به مولفه‌های ژانر ترسناک در سینما و ادبیات باور دارید؟

مگر می‌شود نداشته باشیم؟ البته به بعضی از آن‌ها، برای نمونه موجودی به نام جن در سینمای وحشت داریم که در همه ادیان الهی رویش تاکید می‌شود و در قرآن کریم و تورات و دیگر کتب مقدس درباره‌اش صحبت شده ولی در باورهای مردم گاه خرافات هم با این المان‌ها ترکیب شده است.

فیلم‌های مورد علاقه‌تان در این ژانر چیست؟

بدون شک فیلم «جن‌گیر» که چندبار آن را دیده‌ام و واقعا فیلم ترسناکی است. البته فیلم «طلح نحس» هم از آن دسته کارهای مطرح سینمای وحشت است اما مثل جن‌گیر ترسناک نیست. جن‌گیر اما ترس عمیق و ملموس را به جان مخاطب خود می‌اندازد و او را درگیر داستان ترسناک فیلم می‌کند.

کمی درباره داستان مجموعه و نقش خودتان در آن صحبت می‌کنید؟

بازی در نقش اول این مینی‌سریال برعهده من بود و داستان از آنجا شروع می‌شود که «صابر» همان نقش اول مجموعه چنده‌م‌قدیمی پیدامی‌کند. غافل از آنکه در آن‌هم‌ها چند جنازه نهفته است.